禪

ما توبه شکستیم و ببستیم دو صد بار . . .

ما نوشتیم ...

200 شماره ما نوشتیم . از شبکه، از کامپیوتر، از اینترنت، از دیتا، از نرمافزار، از شرکتها، از کارآفرینان، از موفقیت، از شکست، از شغل، از امنیت، از جامعه و از انسان نوشتیم . از چیزی نوشتیم که برای نوشتنش آمده بودیم : از انسان ایستاده در دل تندباد فناوری .

200 شماره نوشتیم؛ کلمه به کلمه، سطر به سر، صفحه به صفحه نوشتیم تا بگوییم آی آدمها، دنیا را سیاست دگر آمده است، قواعد دنیای قدیم دیگر به کار نمیآید . قواعد جدید را اما، خودمان هم به درستی نمیدانستیم . مینوشتیم تا یاد بگیریم؛ تا کنکاش کنیم؛ تا چشمانمان کمی بهتر ببیند و گوشهامان، آواز دنیای جدید را کمی واضحتر بشنود؛ و سپس از دیدهها و شنیدهها مینوشتیم .

ما نوشتیم ...

20 سال ما نوشتیم. از چهارم مرداد ماه 77 که نخستین شماره شبکه درآمد ما نوشتیم تا به امروز . از روزگار BBS که نخستین شبکههای اجتماعی بودند و فقط میتوانستی چند کلمه متن بنویسی، تا به امروز که روی هر گوشی موبایلی چند شبکه اجتماعی مدرن با انواع امکانات نصب شده است. از قیژقیژ مودمهای دیالآپ که ناقوس هیجانانگیز ورود به دنیایی دیگر بود، تا انواع مودمهای جیبی و وایفای و تیدی التیای امروزی . بله، ما نوشتیم . دست را سایبان چشمها کردیم و به دوردستها نگریستیم و هر چرا که دیدیم، نوشتیم . و هر چه را در مجله نتوانستیم در سایت نوشتیم؛ تا جایی که سایت شبکه مدتی است که خود تبدیل به رسانهای مستقل شده است. در شبکههای اجتماعی نوشتیم .

ما نوشتیم ...

2 بار هم از خود نوشتیم . یکبار در شماره 23 بود که من از اهالی شبکه نوشتم و همکارانم، از حال و هوای آن روز و بار دیگر در شماره 100 که اغلب دوستان و همکاران از آشنایی خود با شبکه نوشتند و از احساسی که که نسبت به آن و خوانندگانش دارند .

اکنون شما بنویسید ...

حالا نوبت شماست. از هر چه می خواهید بنویسید . از شبکه، از شرکت، از موفقیت، از شکست، از شغل، از شور و شعور بنویسید . بنویسید در این 20 سال – و یا هر چند سال که با شبکه و با دنیای شبکهای آشنا هستید- دنیای شما چگونه بوده است . از کجا به کجا رسیدهاید؟ آیا شما هم فکر میکنید که قواعد این دنیا با دنیای 30 سال پیش تفاوت دارد؟ یا درِ دنیا، هنوز بر همان پاشنه پیشین میچرخد؟ اگر دنیای شبکهای امروز با 30 سال و 40 سال پیش تفاوت دارد، این تفاوت در چیست؟ انسان امروز با انسان نیمقرن پیش چه تفاوتی دارد؟

از شماره 200 شبکه تا شماره 207 که در مرداد 97 منتشر میشود و ویژه 20 سالگی شبکه است، 6 ماه و به عبارتی 7 شماره فرصت دارید که بنویسید . از هر آنچه که شبکهای است، از اهالی شبکه، انتقاد از شبکه، پیشنهاد به شبکه، از جهان شبکهای، از برداشتتان از آینده جهان شبکهای و خلاصه از هر آنچه دل تنگ شبکهای تان خواست بنویسید.

اکنون شما بنویسید ...

«این روزها اما، زیاد به ده سال و یازده سال بعدِ فکر میکنم . آیا ده سال بعد شبکهای وجود دارد؟ آیا نسخه کاغذی آن منتشر خواهد شد؟ آیا اساساً نحوه خبرگيري و اطلاعرساني به همين گونه خواهد ماند؟ نه اين که خيلي نگران حرفه و کسب وکارمان باشم؛ بيشتر ميخواهم بفهمم که در اطرافم چه ميگذرد .»

این عبارات را در اردیبهشت 88 در سرمقاله شماره 100 نوشته بودم . جالب است که هنوز هم به ده سال بعد فکر میکنم . همانجا نوشته بودم که پیش از این دنیا جای نسبتاً ثابتی به نظر میآمد اما این روزها (اردیبهشت 88) بسیار بیثبات و متغیر و متزلزل به نظر میآید .

حالا نوبت شماست. برای ما بنویسید که آیا شما هم جهان امروز را بیثبات میبینید . منظور من از ثبات، تنها ثبات سیاسی نیست، که آن هم در جهان روز به روز کمتر میشود . ثبات اجتماعی، ثبات شغلی، ثبات فکری و ثبات مهارتها . چرا همه چیز این چنین زود رنگ میبازد؟ چرا نمیتوان مثل دنیای قبل، جای پایی محکم روی زمین پیدا کرد؟ برای آنکه خیلی هوایی حرف نزده باشم، اجازه بدهید با مثالی منظورم را از بیثباتی بگویم .

فرض کنید که در دنیای نیمقرن پیش، شما در کنکور سراسری در رشته داروسازی قبول میشدید . از این پس، مسیر زندگی شما، نه تنها تا پایان تحصیلات، بلکه حتی تا پایان دوره کاری شما مشخص بود . چند سالی را در دانشکدههای پزشکی و داروسازی درس میخواندید و پس از دریافت مدرک، یا در داروخانهای مشغول به کار میشدید و یا خود پس از چند سالی داروخانهای تاسیس میکردید . تعداد کمی هم جذب شرکتهای داروسازی و یا ادارات دولتی و دانشگاهی میشدند . در هر حالت، زندگی شما از ثبات و قرار مشخصی برخوردار بود و به عنوان یک دکتر داروساز میتوانستید تا پایان دوره کاری خود در همان شغل مشغول به کار باشید و از یک وضعیت شغلی و زندگی مناسب قابل پیشبینی برخوردار باشید. امروز اما با رقابت سنگینی که در کنکور برای رشتههایی مانند داروسازی وجود دارد، شما باید هزینه هنگفتی را برای کلاسها و معلمان خاص کنار بگذارید . بخت باید با شما یار باشد -جدای از زحمت بسیار- که در یکی از دانشگاههای دولتی پذیرفته شوید وگرنه خود بهتر میدانید که چقدرباید سر کیسه را شل کنید . اما مشکل اصلی تازه پس از فارغالتحصیلی و حتی پیدا کردن یک شغل و یا دایر کردن یک داروخانه شروع میشود . روزی از روزها که در داروخانه خود نشستهاید، اعلان کوچکی را درِ گوشه سایتی میبینید که به زودی دارو را در منزلتان تحویل بگیرید . با خود فکر میکنید که حتماً داروخانهای ابتکار جالبی به خرج داده و مثلا نسخه را از طریق یک پیامرسان دریافت میکند و دارو را با پیک به در خانه بیمارمیرساند . حتماً پیش خود فکر میکنید که چه جالب، چرا ما هم این کار را نکنیم و به خیالی لذتبخش از کسب وکار اینترنتی خود فرو میروید . اما چیزی نمیگذرد که کاشف به عمل میآید که ماجرا بسیار دامنهدارتر از این حرفهاست . بزرگترین شرکت داروسازی کشور تصمیم گرفته است و با بِسیاری از پزشکان نیز قرارداد امضا کرده است که دارو را با دریافت نسخه الکترونیکی از پزشک، مستقیماً به بیمار برساند و شعارش این است که «تا شما به خانه برسید، داروی شما هم رسیده است ». کمی طول می کشد تا ابعاد ماجرا را دریابید . معنای این

کار این است که شرکت داروسازی خود دارو را توزیع می کند و دیگر درصدی از قیمت دارو را به شمای داروخانهدار نمیپردازد و به این شکل شما از چرخه توزیع دارو کنار میروید . حالا میتوانید حال مدیران موسسات تاکسی تلفنی را درک کنید وقتی شرکتهایی مانند اوبر و اسنپ کارشان را شروع کردند . حالا میتوانید حال کارگرانی را درک کنید که جایشان را رباتها گرفتهاند . حالا میتوانید حال برنامهنویسی را درک کنید که با صرف مقدار زیادی پول و وقت و انرژی، یک زبان یا چهارچوب برنامه نویسی را آموخته، اما دو سه ماه بعد یک شرکت غول نرمافزاری، زبان یا چهارچوب دیگری را منتشر میکند و چنان مورد استقبال قرار میگیرد که برنامهنویس ما احساس میکند همه آموختههای او یکسره بیمصرف شده است. آیا حالا میتوانید بیثباتی را و رُمبش زمین زیر پایتان را احساس کنید؟ اگر میتوانید، لطفا برای ما بنویسید .

اکنون شما بنویسید ...

بنویسید که شبکه را در انجام کارهایش چقدر موفق یا ناموفق میبینید . در این 200 شماره و یا هر چند شماره که با شبکه آشنا هستید چقدر به عهد خود برای انتشار یک نشریه آبرومند و امروزی وفادار بوده است. آیا توانسته است در دیدگاه شما نسبت به جهان، هر چند کوچک، چیزی بیافزاید و یا تغییری هرچند کوچک ایجاد کند؟ به ما بگویید که ایرادات اصلی کارمان کجاست . اگر داریم، نقاط قوتمان در چیست؟ ما نیاز داریم که در آینه وجود شما به خودمان نگاه کنیم . ببینیم کجا ایستادهایم و به کجا باید برویم .

به ویژه انتظار دارم چند گروه برایمان بنویسند :

استادان دانشگاه که بسیاری از آنها، در زمان دانشجویی، شبکهخوان بودهاند . از آنها میخواهم که با دید انتقادی خود، هم ما را نقد کنند و هم راه را برای بهتر شدن نشان دهند .

مدیران شرکتها که برای شبکه گروه مهمی هستند، چرا که علاوه بر شرکت در مصاحبهها و میزگردهای شبکه، در طول 200 شماره گذشته سخاوتمندانه آگهیهای خود را به شبکه دادند و این امکان را به ما دادند که بتوانیم این مسیر دشوار طولانی را بپیماییم .

همکاران شبکه در طول 20 سال گذشته که امروز به هر دلیل دیگر در کنار ما نیستند . شما یکبار به خانواده شبکه پیوستید و تا ابد عضو آن خواهید بود، حتی اگر یکی در یسار باشید و یکی در یمین . پیدایتان میکنیم .

و سرانجام، شمایی که شبکه در این 200 شماره برایتان منتشر شده است . سینا علّی شانزده ساله از تبریز که بعد از انتشار اولین شماره شبکه برایمان نامه نوشتی و اکنون باید مرد جوان سیوشش سالهای باشی. علی شریعتی عزیز که نامههای همیشگیات، هم خستگی را از تن به در میکرد و هم انتقادهای تند و تیزت کاستیهای ما را نشانه میرفت . اعظم حسنزاده از برازجان، متین ترابی از اصفهان، مهدی میرقلیخان از تهران و هزاران نفری که در طول این سالها با شبکه گفت وگو کردهاید . اگر بخواهم تنها نامتان را ذکر کنم یک شماره را باید به این کار اختصاص بدهم . گمان کردید فراموشتان کردهایم؟ نه، در تمام این سالها، هر بار که به دلیلی – مثل ماه قبل که قیمت کاغذ ناگهان 60 درصد گرانتر شد و یکی دو نشریه را میشناسم که از انتشار باز ماندهاند - از ادامه راه خسته میشدیم و توبه میکردیم که دیگر مجله منتشر نکنیم، همین نامهها، همین تماسهای تلفنی و مهمتر از همه، تبسمها و تشکرهای دلانگیزتان در نمایشگاهها، باعث میشد توبه بشکنیم و راهی بیابیم که ادامه کار را میسر کند . پس یادتان باشد که ما تبسمها را از یاد نبردهایم . پس از هم اکنون تا شماره مرداد ماه 97. هم در مجله و هم در سایت و هم در شبکههای اجتماعی منتظرتان هستیم.

نویسنده :
هرمز پوررستمی
دسته بندی:
دیدگاه و یادداشت
تاریخ انتشار :
01:15 - 24/06/1397
برچسب:
ماهنامه شماره 200

نشانی
□□□□:https://www.shabakeh-mag.com/opinion/12094/%D9%85%D8%A7-%D8%AA%D9%88%D8%A8%D9%87-%D8%B4%DA%A9%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85-%D9%88-

%D8%A8%D8%A8%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85-%D8%AF%D9%88-%D8%B5%D8%AF-%D8%A8%D8%A7%D8%B1